

نظریهٔ پخش و بازتاب انقلاب اسلامی

دکتر ابراهیم برزگر^۱

چکیده

نظریهٔ پخش یا «اشاعه» یکی از نظریه‌های رایج در باب توضیح چگونگی انتشار نوآوری‌ها و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌هاست. هرچند خاستگاه اولیه این نظریه در رشته جغرافیای انسانی است، اما در موضوعات رشته علوم سیاسی و روابط بین‌الملل نیز کمابیش به کار گرفته شده است. معمای چگونگی اشاعه و بازتاب انقلاب اسلامی در سطح تحلیل منطقه‌ای و سطح تحلیل بین‌المللی، و جستجوی الگوی تبیین مناسب، محقق را بر آن داشت تا توان نظریهٔ پخش را در بازتاب منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی مورد سنجش قرار دهند. آنچه می‌خوانید، کوششی است در جهت سازماندهی نظری و قالب‌بندی انبوه مواد خام در باب تأثیر انقلاب اسلامی بر سایر کشورها و مناطق که بر اساس نظریهٔ پخش صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی:

بازتاب انقلاب اسلامی ایران، نظریهٔ پخش، کشورهای مسلمان‌نشین.

مباحث نظری

مقدمه و طرح مسأله، در بررسی بازتاب انقلاب اسلامی، محقق با انبوه عظیمی از مواد خام روبرو می‌شود که دست‌کم ۵۳ کشور اسلامی را شامل می‌شود. این معضل، از یک سو، و کمبود چهارچوب نظری جهت سازماندهی این حجم عظیم مواد خام در موضوع «انقلاب اسلامی و بازتاب آن»، از سوی دیگر، نویسنده را بر آن داشت تا از باب تطبیق «نظریه بر مورد»، توان نظریه پخش را در تحلیل بازتاب منطقه‌ای و بین‌المللی انقلاب اسلامی در محک آزمون قرار دهد. در این بررسی آنچه بیشتر در کانون توجه ماست متد است نه محتوا. سخن در استفاده بهینه از نظریه مناسب در تحلیل مطالعه موردی است.

نظریه پخش، نظریه پخش^۱ در سال ۱۹۵۳ از سوی هاگر استرند،^۲ جغرافیدان سوئدی، ابداع و عرضه شد. وی و همکارانش با به کار گرفتن این نظریه در مورد گسترش نوآوری «پدیده‌های کشاورزی» و چگونگی گسترش «سل گاوی» در سالهای مختلف، به یافته‌های ارزشمندی دست یافتند. بعدها این نظریه چگونگی اشاعه ویای التور^۳ در سال‌های گوناگون در مناطق هند، آفریقای مرکزی، خاورمیانه، شوروی سابق، اروپا و علل همه‌جاگیری یا توقف آن در برخی از نواحی را توضیح داد.^۴ هرچند نقطه آغاز کاربرد این نظریه در پدیده‌های کشاورزی و شیوع بیماری‌ها بود، اما کاربرد آن به سایر عرصه‌های فرهنگی نیز تسری یافت. در مجموع، این نظریه گسترش هر نوع نوآوری فکری یا فیزیکی را تبیین می‌کند؛ نظیر توجیه مسنط شدن مد شلوارک، یا شلوار کوتاه،^۵ که برای

۱. برای واژه diffusion معادل‌های متفاوتی نظیر پخش، انتشار، تراوش و اشاعه برگزیده شده است.

2. Hager Strand

3. Uitor

۴. حبیب شکری، جغرافیای کاربرد و مکتب‌های جغرافیایی، (انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۴)، ص ۱۱۱-۱۱۲.

5. hot pants

اولین بار در بهار ۱۹۷۰ در پاریس به دنیا معرفی شد و در پاییز همان سال به سرعت به بوتیک‌های سیدنی در استرالیا تا سانفرانسیسکو در امریکا راه یافت. این لباس پس از مدت‌ها از مد افتادگی، بتازگی مجدداً مد شده است. از این رو، این نظریه، قدرت تبیین و توضیح هرگونه نوآوری فکری یا فیزیکی را دارد و هم علت اشاعه، نحوه گسترش و مسیرها و مجاری پخش آن، و هم علت توقف آن و علل گسترش مجدد آن و نیز پایداری برخی از امواج و زوال برخی دیگر را توضیح می‌دهد.^۱ در عصر جدید، عناصر فرهنگی و ابداعات، به سرعت حرکت هواپیمای جت و به سرعت دریافت تصاویر ماهواره‌ای، میان کشورها و قاره‌ها اشاعه می‌یابد.^۲

پخش فضایی،^۳ مفهوم دیگر مرتبط با نظریه پخش، پخش فضایی است، و آن فرایندی است که طی آن، نگرش و رفتار مردم تغییر می‌یابد. پخش فضایی عبارت است از گسترش یک پدیده از کانون یا کانون‌های اصلی در بین مردمی که آماده پذیرش آن پدیده‌اند.^۴ بنابراین، در پخش فضایی دو موضوع را می‌توان از یکدیگر متمایز ساخت: الف) وجود پدیده یا پدیده‌ها، ب) امر گسترش حرکت پدیده از خاستگاه اصلی خود، که پخش فضایی را موجب می‌شود. این پدیده، ممکن است یک شیوه رفتار، عقاید خاص سیاسی، اجتماعی، یا یک امر مادی نظیر رواج مد لباس و یک نوع کالای ویژه باشد.^۵

۱. Haggett, Peter, *Geography: A Modern Synthesis*; Third Ed. New York: Harper & Row, 1983pp. 303-304.

۲. جردن و راونتری، *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*، ترجمه سیمین تولائی و محمد سلیمانی، (پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات: تهران، ۱۳۸۰)، ص ۳۱۶. مشخصات اصلی کتاب:

Jordan, Terry G., Lester Rowntree, *The Human Mosaic, Thematic Introduction to Cultural Geography*, Harper and Row Publishers, 1986

3. spatial diffusion

۴. حسین شکویی، *آداب‌نامه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، (انتشارات گیتاشناسی، تهران، ۱۳۷۵)، جلد اول، ص ۳۰۱

۵. همان.

تعریف: اشاعه یا پخش عبارت است از فرآیندی که بر طبق آن یک امر فرهنگی (یک نهاد یا یک اختراع فنی و جز آن) که علامت مشخصه یک جامعه است، در جامعه دیگری به عاریت گرفته شده و مورد پذیرش قرار می‌گیرد. اشاعه را عموماً در مهاجرت‌های جمعیت‌ها، که حاصل تماس‌های مداوم و زیاد جوامع همسایه است، تشخیص می‌دهند.^۱

گری پی فرارو،^۲ علاوه بر اکتشاف و اختراع، از جریان «اشاعه فرهنگی»^۳ به عنوان «وام‌گیری فرهنگی»^۴ در تفسیر فرهنگ‌ها یاد می‌کند. اهمیت وام‌گیری فرهنگی اگر از نظر اصل کم‌کوشی^۵ نگریسته شود، بهتر و عمیق‌تر درک می‌شود. یعنی، وام‌گیری اختراع و اکتشاف فردی دیگر بسیار آسان‌تر است از اینکه خودمان بخواهیم از اول آن را کشف یا اختراع کنیم.^۶ وی چند ویژگی را در پخش و وام‌گیری فرهنگی عمده می‌کند.

اول، گزینشی بودن عمل وام‌گیری فرهنگی. هنگام برخورد دو فرهنگ، بعد از اثبات سودمندی و سازگاری، عناصر و اجزایی خاص به عاریت گرفته می‌شود. به‌طور مثال، انتظار نداریم شاهد اشاعه پرورش خوک از آمریکا به عربستان باشیم، چون جمعیت مسلمان خوردن گوشت خوک را حرام می‌داند. بر اساس مطالعه راجرز، قبول یک نوآوری و سرعت پذیرش آن، تحت تأثیر متغیرهای پنجگانه زیر است:

۱. میشل پائوف و میشل پرون: فرهنگ مردم‌شناسی؛ ترجمه اصغر عسکری‌خانقاه، (نشر ویس، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸)، ص ۱۱۳.

2. Gary P. Ferraro

3. cultural diffusion

4. cultural borrowing

5. economy of effort

۶. گری پی فرارو، انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی، ترجمه غلامعلی شاملو، (سمت، تهران، ۱۳۷۹)، ص ۵۲.

الف) تفوق آن نسبت به آنچه موجود است؛ ب) سازگاری داشتن با انگاره‌های فرهنگی موجود؛ پ) به سهولت شناخته شدن؛ ت) قابلیت آزمون‌پذیری به‌طور تجربی؛ مزایای آن برای تعداد نسبتاً زیادی از مردم به روشنی قابل مشاهده باشد.

دوم، «وام‌گیری فرهنگی» جریانی «دو طرفه» است. چنین نیست که صرفاً جوامع متمدن بر جوامع ابتدایی تأثیر گذارند.

سوم، اقلام وام گرفته شده غالباً پس از دست‌کاری در «شکل اولیه»، وارد فرهنگ جامعه مقصد می‌شوند. مثلاً نوآوری ویژه پیتزا در ایتالیا پس از ورود به امریکا مطابق با سلیقه و نیاز آنان دستکاری می‌شود.

چهارم، برخی ویژگی‌های فرهنگی «آسانتر» از ویژگی‌های دیگر انتشار می‌یابند. نوآوری‌های تکنولوژیک راحت‌تر از انگاره‌های اجتماعی و عقیدتی پذیرفته می‌شوند، زیرا درجه سودمندی و قابل استفاده بودن آنها را به سرعت می‌توان تشخیص داد. به‌طور مثال، متقاعد کردن فرد برای استفاده از ماشین برای زودتر به مقصد رسیدن کاری دشوار نیست؛ لیکن ثابت شده که بسیار دشوار است که شخص مسلمانی، هندو شود، یا بازرگانی امریکایی از طبقه متوسط به پذیرش مسلک سوسیالیسم متقاعد گردد.^۱ این نکات ظریف در اشاعه فرهنگ و بسط تجارت قابل توجه است.

انواع پخش: هاگر استرنند چند نوع پخش را تشخیص داده است:

۱. پخش جابجایی^۲: پخش، یک نوآوری یا یک عنصر از فرهنگ می‌باشد که لازمه آن انتقال فیزیکی فرد یا گروه حامل یک اندیشه است.^۳

پخش جابجایی، زمانی رخ می‌دهد که افراد یا گروه‌های دارای یک ایده مخصوص، به‌طور فیزیکی از مکانی به مکان دیگر حرکت کنند و به این

۱. گری پی فرارو، پیشین، ص ۶۱-۵۲.

2. Relocation diffusion

۳. جردن و واونتری، پیشین، ص ۱۶۲.

طریق، ابداعات و نوآوری‌ها در سرزمین جدید گسترش یابند. مذاهب با اعزام مبلغان مذهبی با پخش جابجایی، اشاعه یافته‌اند. مهاجرت مسیحیان اروپایی به امریکا نمونه‌ای از این پخش است. کل فرآیند استعمار اروپاییان از سال ۱۵۰۰ تا ۱۹۵۰، از انواع پخش جابجایی است. به نظر می‌رسد در دوره‌های گذشته انگوی پخش غالب، پخش جابجایی بوده؛ اما با اختراع و رواج پدیده‌های جدید ارتباطی، انگوی پخش جابجایی تا حدود بسیار زیادی کمرنگ شده است.^۱

۲. پخش سلسله‌مراتبی:^۲ در این نوع از پخش، پدیده‌ها و نوآوری‌ها در قالب سلسله‌مراتب و از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات، منتقل می‌شود و گسترش می‌یابد. ایده‌ها از یک «فرد مهم» به فرد دیگر، یا از یک مرکز شهری مهم به مرکزی دیگر گسترش می‌یابد.^۳ بنابراین، فرآیند پخش و پذیرش مدهای جدید لباس یا مد آرایش سر یا کالاهای مصرفی جدید، نظیر کامپیوتر، یا عقاید و ایدئولوژی‌ها از پایتخت به شهرهای بزرگ، میانی، کوچک و روستا و به صورت سلسله‌مراتبی انجام می‌شود. بنابراین، نوآوری‌ها ابتدا در طبقات بالای اجتماع و سپس در طبقات پایین‌تر منتشر می‌شود. برخی این پدیده را «انتشار ریزشی» نیز گفته‌اند؛ یعنی فرآیندی که از مراکز بزرگ‌تر و مهم‌تر به مراکز کوچک‌تر سرازیر می‌شود.^۴ مثلاً، در صدر اسلام، با اسلام آوردن رئیس قبیله، کل افراد قبیله نیز تغییر دیانت می‌دادند. این مورد یکی از بهترین مثال‌های پخش سلسله‌مراتبی است.^۵

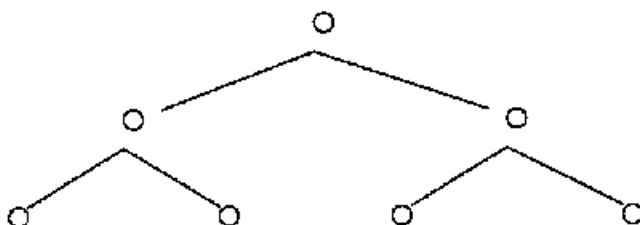
۱. همان، ص ۱۶۳.

2. Hierarchy diffusion

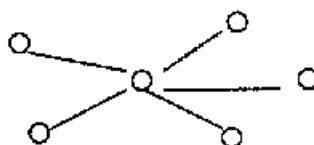
۳. همان.

4. Haggett, op. cit.; p. 305

۵. غلامحسین زرگری‌نژاد، *تاریخ صدر اسلام*، (ست، تهران، ۱۳۷۸)، ص ۳۱۶.



۳. پخش سرایتی یا واگیردار.^۱ این پخش در مقابل پخش سلسله‌مراتبی است. در این نوع پخش، گسترش عمومی ایده‌ها بدون در نظر گرفتن سلسله‌مراتب صورت می‌گیرد؛ مانند اشاعه بیماری‌های مسری.^۲ چون در این نوع، پخش با تماس مستقیم منتشر می‌شود، بیماری‌های واگیردار مانند سرخک، از شخصی به شخص دیگر منتشر می‌شود. این فرآیند بشدت تحت تأثیر «فاصله» قرار دارد. بنابراین، افراد و نواحی نزدیک، نسبت به افراد و نواحی دور دست، احتمال تماس بیشتری دارند.^۳



دو نوع پخش سلسله‌مراتبی و سرایتی، از نوع پخش‌هایی هستند که دارای سرعت انتشار بالایی‌اند. در این دو نوع پخش، این افکار، اندیشه‌ها و مفاهیم‌اند که از سرزمین میزبان به سرزمین میهمان و جدید هجرت می‌کنند، و چون هجرت فیزیکی نیست، دارای سرعت انتشار بالایی است. در واقع، هر دو از نوع پخش انبساطی^۴ تلقی شده‌اند.^۵ گسترش انبساطی نوآوری در درون یک ناحیه، به شکل گلوله برفی، به نحوی است که تعداد آگاهان به آن نوآوری مرتباً

1. Contagious diffusion

۲. جردن و راونتری، پیشین، ص ۱۶۰.

3. Haggett, op. cit. p. 305

4. Expansion diffusion

۵. جردن، همان، ص ۱۶۰.

افزایش یافته و به همین ترتیب ناحیه تحت پوشش نیز بزرگ می‌شود.^۱ در حالی که در پخش جابجایی، حاملان نوآوری و مهاجران، مبلغان، تاجران و دانشجویان از طریق تماس فردی، نوآوری را بسط و توسعه می‌دهند و چون این نوع محتاج به حرکت فیزیکی است، سرعت انتشار آن نیز کند است. به نظر می‌رسد، بالاترین سرعت انتشار در پخش سلسله‌مراتبی است، زیرا بپذیرش نوآوری از سوی فرد مهم، پدیده به سرعت به کل قاعده منتقل می‌شود.

عوامل نظریه پخش: هاگر استرند، نظریه پرداز این نظریه، شش عامل را در ایسن نظریه عمده می‌کند.

۱. حوزه یا محیط جغرافیایی. این محیط می‌تواند محیط پذیرا یا همگرا یا محیط ناپذیرا — واگرا باشد.

۲. زمان، عاملی است که می‌تواند به صورت مداوم یا به حالت دوره‌های متمایز از یکدیگر و متوالی در نظر گرفته شود. نقطه آغاز و تکوین پدیده‌ها را با T و دوره‌های متوالی آن را با t₁، t₂ و t₃ نشان می‌دهند.

۳. سومین عامل، «موضوع پخش» است. موضوع پخش ممکن است امراض واگیردار، نظیر وبا، سرخک، آنفولانزا، سل گاوی، نوآوری‌های کشاورزی و تکنولوژیک، نظیر ابزارهای اصلاح‌شده یا ویدئو و تلویزیون و ماهواره، موضوعات فرهنگی، نظیر موزیک راک اندرون، شیوع مدهای لباس، یا پدیده‌های فیزیکی — فرهنگی، نظیر مبارزات انقلابی و چریکی دهقانان روسیه، انقلابیون کوبا، جنگجویان ویتنامی یا گتوهای سیاهپوست آمریکایی باشد.^۲

۱. همان، پیشین ۱۶۱.

۲. به عنوان یک تمرین آموزشی، می‌توان بیماری سارس را در دستور کار قرار داد. این بیماری اولین بار در نوامبر ۲۰۰۲ در استان گوانگ‌دونگ به عنوان مبداء بیماری شناخته شد و از آنجا مسیر خود را تا پکن، شانگهای و دیگر شهرهای چین و سایر کشورها، نظیر هنگ کنگ، تایوان، سنگاپور، مالزی، استرالیا، کانادا و هند ادامه داد. در هفته منتهی به ۱۳۸۲/۴/۱۴ (۵ جولای ۲۰۰۳) سازمان بهداشت جهانی عاری بودن جهان از سارس را اعلام کرد (روزنامه ایران، یکشنبه ۱۳۸۲/۴/۱۵).

۴. مبدأ پخش، مکان‌هایی است که خاستگاه نوآوری‌ها و صدور پیام‌ها و ارزش‌ها و نوآوری‌ها هستند.

۵. مقصد پخش، مکان‌هایی است که محتوای پخش یا جریان مداوم پخش به آنها می‌رسد.

۶. مسیر حرکت پدیده‌ها و مجاری انتقال نوآوری از مبدأ به مقصد. فاصله جغرافیایی و فاصله اجتماعی-اقتصادی مسأله‌ای مهم در ارتباط پدیده‌ها می‌باشد.^۱

البته عوامل دیگری را نیز می‌توان در این نظریه برجسته کرد، نظیر:

۷. سرعت انتشار و عوامل مؤثر بر آن.

۸. موانع و مرزها و امواج رقیب نیز در بررسی پخش نوآوری مهم است.

۹. پیش‌بینی اثرات پخش و مضر یا مفید بودن آن از دید طرف‌های درگیر و نیز اقدامات مقابله‌ای.^۲

هاگر استراند برای عبور چیزی که آن را «امواج نوآوری‌ها»^۳ می‌نامد، یک مدل چند مرحله‌ای پیشنهاد می‌کند؛ این امواج غالباً «امواج انتشار» نامیده می‌شوند.^۴

عوامل کاهش‌دهنده پخش، این عوامل را می‌توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. مسافت. اگر سنگی را به درون استخری بیندازیم و پخش امواج آن را نظاره کنیم، خواهیم دید که دایره‌ها دور شدن از نقطه اثر، بتدریج ضعیف و ضعیف‌تر می‌شوند. به همین قیاس، میزان پذیرش نوآوری‌های فرهنگی نیز با افزایش مسافت کاهش می‌یابد. ابتذاعات به‌طور عمیق‌تر و نافذتری در نزدیک‌ترین نقطه به مبدأ پذیرفته خواهند شد و با دور شدن از آن کاهش می‌یابند.

۱. حسین شکرنی، *الدریسه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، (جغیاشناسی)، تهران، ۱۳۷۷، چاپ نهم، ص ۳۰۶ و ۳۰۵.

۲. حسین شکرنی، *جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی*، پشین، ص ۱۳۳.

3. Innovation waves

4. Haggett, op. cit, p. 309.

۲. زمان. گذشت زمان نیز در این راستا، عامل مهمی تلقی می‌شود، زیرا انتشار و پخش نوآوری به نقطه دورتر، مستلزم صرف زمان بیشتری است، چرا که تعداد پذیرندگان با افزایش مسافت کاهش می‌یابد. بنابراین، میزان پذیرش نیز با افزایش زمان کاهش می‌یابد. این همان مقوله‌ای است که جغرافیدانان از آن به عنوان کاهش زمان-مسافت یاد کرده‌اند.^۱ هرچه از زمان وقوع حادثه و نوآوری فاصله بگیریم، یا هرچه از مکان وقوع نوآوری دورتر شویم، قدرت تسری و تأثیرگذاری آن نیز کاهش می‌یابد.

۳. موانع تراوش. علاوه بر ضعف و کاهش طبیعی ابداعات و نوآوری‌ها به دلیل افزایش زمان-مسافت، «سدها» و «موانع» نیز موجب توقف یا کند شدن روند پخش نوآوری می‌شوند یا پیشرفت‌های بعدی را متوقف می‌سازند.^۲ به‌طور مثال، در جمهوری آفریقای جنوبی با غیرقانونی اعلام کردن ورود تلویزیون، ده‌ها سال از ورود این رسانه عمومی به کشور جلوگیری شد. این امر موجب شد تا پذیرش تلویزیون به عنوان یک نوآوری در مرزهای این کشور متوقف شود.

در غالب موارد، مرزها نفوذپذیرند؛ بدین معنی که اجازه پخش برخی امواج ابداعات و نوآوری‌ها را می‌دهند، لیکن در جهت تضعیف و توقف آن نیز می‌کوشند. به‌طور مثال، رئیس مدرسه با تعیین حد بلندی موی پسران به عنوان «مانع تراوش» در مقابل این نوآوری عمل می‌کند.^۳ بریتانیا برای مدت یک قرن، انقلاب صنعتی را در انحصار خود داشت و دولت بریتانیا خود مانع از اشاعه اختراعات و ابداعات متنوع ناشی از انقلاب صنعتی می‌شد،^۴ چرا که این ابداعات و اختراعات، مزیت‌های اقتصادی درخور توجهی را برای انگلستان به بار آورده بود. موانع، شکل‌های گوناگون تحریم‌های اجتماعی، دولتی یا طبیعی دارد.

۱. جردن و راونتری؛ پیشین، ص ۲۶.

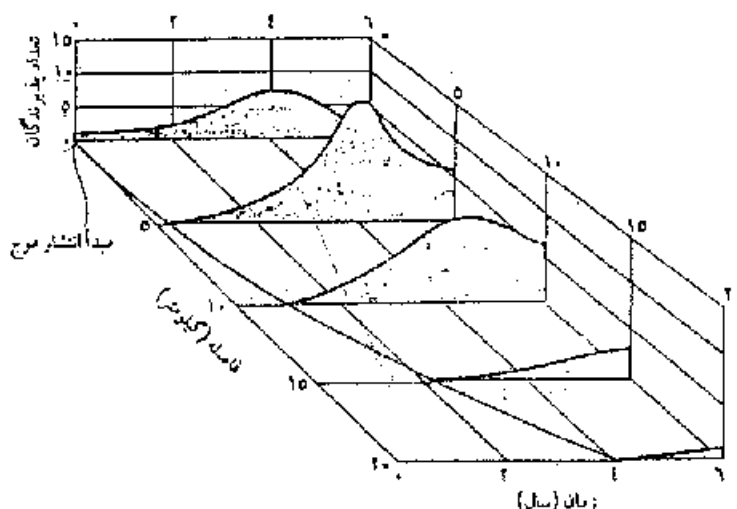
۲. برای بررسی بیشتر ر.ک: حسین شکونی، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، پیشین، ص ۲۲۴-۲۲۱.

۳. جردن و راونتری؛ پیشین، ص ۲۷.

۴. همان، ص ۵۰۶.

لطیفهٔ قدیمی در مورد فروش یخچال به اسکیموها نشانگر نقش موانع طبیعی در پذیرش نوآوری است.^۱

موج زمان و مکان: مطالعهٔ چگونگی انتشار نوآوری‌ها در فضا و زمان، حاکی از شکل موج‌مانند [S مانند] حرکت انتشار است. در تصویری که بر اساس کار جغرافیدان امریکایی ریچارد موریل ترسیم شده است، مشاهده می‌شود که موج انتشار ابتدا ارتفاع محدودی دارد (منعکس‌کننده میزان محدود پذیرش)، آنگاه هم ارتفاع و هم وسعت موج افزایش می‌یابد و سپس ارتفاع آن کاهش می‌یابد. ضعف تدریجی موج به زمان و فضا بستگی دارد؛ نظیر زمانی که موج نوآوری به قلمرو ناپذیرایی وارد می‌شود و به موانع برخورد می‌کند یا با اسواج نوآوری رقیب مغشوش می‌شود. ممکن است این امر موجب سرعت یا کندی حرکت آن شود. وقتی که موج عازم از یک مرکز نوآوری با موجی که از جهت دیگر می‌آید، برخورد کند، هویت خود را از دست خواهد داد.^۲



۱. همان، ص ۲۷.

2. Haggett, op. cit. p. 304.

مطالعه موردی: پخش مذهبی و سیاسی

اکنون برای بومی‌سازی نظریه و تقریب ذهن مخاطب به زمینه‌های سیاسی و مذهبی و موضوع انقلاب، اشاره‌ای اجمالی به برخی از کاربردهای این نظریه در تبیین و توضیح پدیده‌های مذکور می‌شود. پخش مذهبی ادیان بزرگ و پخش سیاسی، محورهای این بررسی است.

پخش مذهبی: هر سه دین مسیحیت، یهود و اسلام در میان مردم سامی‌زبان درخاورمیانه ظهور کرده‌اند. مذاهب از سه طریق پخش جابجایی و سلسله‌مراتبی و سرایتی گسترش یافته‌اند. نمونه پخش جابجایی استفاده از مبلغان مذهبی است که از شهری به شهر دیگر می‌رفتند.^۱ در پخش سلسله‌مراتبی، ایده‌های مذهبی در رأس یک جامعه (پایتخت) جای می‌گیرند و بعد بتدریج در شهرهای گوناگون ریشه می‌دانند و مناطق روستایی و دهکده‌های کوچک‌تر را در بر می‌گیرند. به‌طور مثال، مسیحیت با بهره‌گیری از نظام عالی راه‌های امپراتوری روم برای پخش آیین خود، به شیوه پخش سلسله‌مراتبی اشاعه یافت. در قرون بعد، مبلغان مسیحی اغلب از تکنیک تغییر کیش پادشاهان یا رؤسای قبایل استفاده کردند و نوعی پخش «سلسله‌مراتبی مضاعف» را به راه انداختند؛ روس‌ها و لهستانی‌ها به این شیوه تغییر کیش یافتند.

اسلام با استفاده از شیوه «پخش جابجایی»، نظیر نظامی‌گری اعراب و بعد ترکان مسلمان‌شده^۲ و ارسال مبلغان و کاروان‌های تجاری به شرق آسیا، نظیر فیلیپین، اندونزی و چین، و نیز از طریق پخش «سلسله‌مراتبی»، نظیر اسلام آوردن کل افراد قبیله به دنبال مسلمان‌شدن رئیس قبیله، گسترش یافت. تجربه نشان داده است که این نوع پخش در نسل اول چندان پاسخگو نیست و حتی بعضاً، نظیر

۱. همان، ص ۲۲۶ و ۲۳۷

۲. در مورد نقش جنگ و صلح به عنوان ابزار انتقال و جابجایی بنگرید به: آندره میکل، هانری لوران، *اسلام و تمدن اسلامی*، ترجمه حسن فروغی، (سمت، تهران، ۱۳۸۱)، ص ۶۹۶.

صدر اسلام و بعد از رحلت پیامبر(ص)، شاهد پدیده مرتدین می‌باشیم،^۱ زیرا ایمان ناشی از پخش سلسله‌مراتبی سطحی است. البته به احتمال زیاد این نوع ایمان در نسل‌های دوم و سوم به نتیجه می‌رسد.^۲ اما یهودیان، بر خلاف مسیحیان و مسلمانان، در پی یافتن پیروان جدید و پخش آیین خود نبوده و نیستند و دین یهود به صورت یک مذهب قومی باقی مانده است.^۳ بنابراین، ادیان دارای داعیه جهانی، بیش از مذاهب قومی پخش می‌شوند.

پخش نوآوری سیاسی: در این باب نیز نمونه‌های فراوانی از «پخش جابجایی» می‌توان به دست داد. نظام‌های امپراتوری از طریق جابجایی بنا شده‌اند. وجود دولت‌های نوع بریتانیایی و قانون عرفی انگلیس در کشورهای زلاندنو و استرالیا از طریق پخش جابجایی، توسط مهاجران بریتانیایی کبیر در قرن نوزدهم، تبیین می‌شود. پخش جابجایی همواره مستلزم «مهاجرت انبوه» نیست، بلکه گروه‌های کوچک مهاجر نیز می‌توانند پخش سیاسی مشابهی را ایجاد کنند، هر چند کوشش چه‌گوآرا در دولت کمونیستی کوبا برای راه‌اندازی یک جنبش کمونیستی در بولیوی به این شیوه با موفقیت چندان همراه نبود. قدرت‌های استعماری اروپایی با گسیل تعداد معدودی در قالب تاجران، مبلغان، مأموران و مدیران و سربازان یکی از موفق‌ترین انواع پخش فرهنگی جابجایی را ارائه کرده‌اند، تا آنجا که برخی از عناصر فرهنگی اروپایی همچنان به حیات خود ادامه داده‌اند. به‌طور مثال، کشور هند، زبان انگلیسی را به عنوان زبان نخبگان تحصیل کرده پذیرفت و دانشگاه‌های خود را به شیوه بریتانیا طرح‌ریزی کرد و با بهره‌گیری از خطوط راه‌آهن که بریتانیا ایجاد کرده بود، وحدت سیاسی خود را حفظ کرد. حتی نظام‌های سیاسی و حقوقی کشورهای مستعمره شده نیز، نظیر نظام‌های سیاسی کشورهای استعمارگر است.

۱. زرگری‌نژاد، پیشین، ص ۱۶۳.

۲. جردن و راوتری، پیشین، ص ۲۳۷.

۳. هسان، ص ۲۶۳ و ۲۳۱.

از پخش سلسله‌مراتبی در پدیده‌های سیاسی نیز می‌توان نمونه‌هایی را ارائه کرد. اگر روند مستعمرات با پخش جابجایی تفسیر می‌پذیرد، نحوه گسترش موج استقلال‌طلبی مستعمرات در آفریقا با پخش سرایتی قابل توضیح است. کشورهای عرب شمال آفریقا تحت تأثیر برنامه‌های استقلال‌طلبی در هند و پاکستان، جنبشی را آغاز کردند. جنبش آنان به نوبه خود گشتاور جنبش‌هایی دهه ۱۹۵۰ بود و بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ به سمت جنوب آفریقا اشاعه یافت و از سال ۱۹۷۰ جنبش استقلال‌طلبی آفریقا به مستعمرات باقیمانده نیز سرایت کرد.

نمونه جالب دیگر پخش سرایتی، وقوع کودتاهای نظامی به عنوان یک ایده سیاسی در آفریقا است؛ به نحوی که امروزه اکثریت دولت‌های تازه استقلال یافته آفریقایی، توسط نیروهای نظامی اداره می‌شوند.^۱

یکی از نمونه‌های دیگر این بررسی‌ها را می‌توان در عامل «اثر همسایگان»^۲ در پخش فضایی جستجو کرد. دانشمندان علوم سیاسی از دیرباز به اثر دوستان و همسایگان در الگوی انتخابات در سطح ملی و ایالتی واقف بوده‌اند. این اصل بر این حقیقت استوار است که حمایت از کاندیدهای مشخص، معمولاً در وطن آنها قوی‌تر است و با افزایش مسافت خفیف‌تر می‌شود. اثر دوستان و همسایگان، که عبارت دیگر پخش سرایتی است، بر اثر ارتباطات بین افراد در نواحی کوچک و مجاور به وجود می‌آید.^۳ مورد سیاسی دیگری که با نظریه پخش «مدل همسایگی» تبیین شده است، پدیده دولت‌های «پست‌کمونیستی» و پخش دموکراسی و اقتصاد سرمایه‌داری در این کشورهاست. نویسندگان نشان داده‌اند که رفتارهای سیاسی و اقتصادی این دولت‌ها به رفتار دولت‌های همسایه آنان ارتباط دارد و فرآیندهای پخش موضوعات دموکراسی سیاسی و سرمایه‌داری اقتصادی

۱. همان، ص ۱۶۰ و ۱۵۹.

2. Neighbour effects

۳. همان، ص ۱۶۲.

تحت تأثیر همسایگی صورت گرفته است. در این فرآیند، محیط پذیرا و همگرایی و محیط ناپذیرا و عناصر واگرا و نامتجانس، دو عامل تعیین کننده در این پخش بوده اند.^۱

پخش انقلاب های روسیه و فرانسه با پیروزی انقلاب روسیه در سال ۱۹۱۷، روسیه مبدأ صدور و پخش ایدئولوژی سوسیالیسم شد. تحقق نظام سوسیالیستی یکی از مقاصد روسیه در آسیا، چین و مقاصد دیگر کشورهای همجوارش در اروپای شرقی بوده است. اترناسیونال سوم «کمیترن»^۲ راهنمای انقلاب و مسیر پخش بود. به ابتکار لنین، به تشکیل احزاب کمونیستی به جای احزاب سوسیال دموکرات در کشورها اقدام شد تا از مجرای این احزاب، شوروی بتواند به استقرار دولت سوسیالیستی دست زند؛ نظیر کشورهای اروپای شرقی.^۳ فراتر از آن، در همورزی اندیشه ها و واقعیت ها، نوعی تلطیف ایدئولوژی صورت گرفت و گفته شد، بدون طی مراحل تاریخی مارکس نیز می توان به این دولت سوسیالیستی رسید. این در زمانی بود که در فاصله زمانی اندکی، یعنی در سال ۱۹۲۱، حزب کمونیست چین توسط مائو و سایر رهبران آن تشکیل شد. انعطاف دیگر در خود چین صورت گرفت: مائوئیسم تفسیر چینی از ایدئولوژی مارکسیسم برای بومی سازی این مفهوم بود. همین بومی سازی موجب ترویج و پخش اندیشه سوسیالیسم در چین شد. فراتر از آن، در این راستا طبقه کارگر و پرولتاریا طیف انقلابی نبود، بلکه طبقه دهقان بود. پس از کمونیستی شدن چین، این کشور خود به «کانون ثانویه پخش» تبدیل شد، و به گونه سلسله مراتبی و سرایتی ایده سوسیالیسم به ویتنام تسری و در آنجا نیز انتشار یافت.

۱. Kopstein, Jeffrey S. And David A. Reilly, *Geographic Diffusion and the Transformation of the Postcommunist World*; *World Politics* 53 (October 2000), pp. 1-37.

۲. communist international (comintern)

۳. آستین رنی، حکومت: آشنایی با علم سیاست، ترجمه لیلا سازگارنژاد، (نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۴)، ص ۱۵۸.

در باب «انقلاب فرانسه» نیز می‌توان به‌طور خلاصه اشاراتی داشت. موضوع بخش که به عنوان پیام‌های خاص انقلاب فرانسه شناخته می‌شد، عبارتند از: حقوق بشر، مساوات، آزادی و ناسیونالیسم. حقوق بشر در اعلامیه حقوق بشر و در عهد مجلس مؤسسان به تصویب رسید و دو اصل مهم آن یکی مساوات و دیگری آزادی بود. اصل مساوات سیاسی و اجتماعی، امتیازات طبقات مختلف را ملغی می‌کرد و دیگر نجبا و کشیشان بر سایر طبقات، نظیر رعایا یا پروتستان‌ها، امتیازی نداشتند و همه در مقابل قانون یکسان بودند. این انقلاب میل به مشارکت در حکومت و در وضع قوانین و احترام متقابل به حقوق مسئولان و مردم را فراهم کرد.^۱ فراتر از نهضت آزادی‌خواهی، این انقلاب، عامل پخش ایده ملی‌گرایی و ناسیونالیسم بود. همین ناسیونالیسم موجب بروز جنبش‌های ناسیونالیستی در آن دسته از کشورهای اروپایی شد که وحدت سیاسی نداشتند؛ نظیر ایتالیا و آلمان.^۲ و همین اندیشه بعدها بنیانگذار نظام دولت ملی در اروپا و سپس در سراسر جهان شد. فراتر از آن، با حدود یک قرن تأخیر تاریخی، ایده ناسیونالیسم در قرن بیستم از اروپا گذر کرد، وارد جهان اسلام شد و مقدمات فروپاشی و تجزیه امپراتوری عثمانی را فراهم کرد. آنگاه ناسیونالیسم، در واحدهای تازه استقلال یافته که فاقد وحدت ملی بودند، کارکرد «ملت‌سازی» و «دولت‌سازی» را انجام داد.^۳ رکیف خوری مجاری بخش انقلاب فرانسه به شرق و بویژه نقش آن را در تفکر سیاسی و اجتماعی عربی معاصر بررسی کرده است. به نظر وی، اولین و در عین حال مهمترین مجرای انقلاب، فتح مصر توسط

۱. آلبر ماله و ایراک ژول، *تاریخ قرن هیجدهم و انقلاب کبیر فرانسه*، ترجمه وحید یاسمی، (تهران، بن‌نا، ۱۳۶۴، چاپ ۶)، ص ۷۰۸.

۲. همان، ص ۴۷۶.

۳. درایسدل آلامدیر و جerald اچ بلیک، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، مترجم: دره میرحیدری، (دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۹)، ص ۸۰-۷۹.

ناپلئون در سال ۱۷۹۸ بوده است.^۱ کشورهای لبنان و فلسطین به دلیل همجواری با مصر مجاری دیگر ورود اندیشه‌های انقلاب فرانسه به جهان عرب و سپس به سایر قلمروهای امپراتوری عثمانی بودند.^۲ وی در بررسی خود از تاجران و از آن مهمتر از اندیشمندانی نظیر طهطاوی به عنوان عوامل پخش یاد کرده است.^۳ بنابراین، مقصد پخش ابتدا کشورهای اروپایی و سپس سایر قاره‌ها بوده است. بر این اساس می‌توان مسیرهای پخش این ایده‌ها را با در نظر گرفتن زمان فراگیری آنها، به‌طور دقیق ردگیری کرد.

موانع پخش، موضوع دیگری است که بر اساس نظریهٔ پخش باید به آن پرداخت. بعد از وقوع انقلاب فرانسه، سلاطین سایر کشورهای اروپایی مطلع شدند که این انقلاب مختص به ملت فرانسه نیست. علانمی از تأثیرپذیری در سایر کشورها مشاهده شد. فراتر از آن، جمعی از رجال سیاسی و روزنامه‌نگاران فرانسوی بعد از سال ۱۷۹۱ آشکارا از صدور انقلاب سخن گفتند و علیه سلاطین مستبد اظهاراتی کرده، ملل اسیر را به آزادی دعوت کردند. سلاطین اروپایی دستورالعمل صدر اعظم اتریش را به کار بستند که گفته بود: «باید افکار فرانسوی را به داخل مملکت راه نداد تا روز به روز ضعیف‌تر شود.» اما این اقدام ناکافی بود. زمین‌سبب آنان در صدد برآمدند تا با اعلام جنگ به فرانسه، «عضو فاسد» در پیکرهٔ اروپا را قطع کنند.^۴ بنابراین، دولت‌های انگلیس، هلند، اتریش، روسیه، ساردنی، در ۱۷۹۳ وارد جنگ علیه فرانسه شدند تا مانع انتشار و پخش افکار انقلابی فرانسویان به خارج از مرزها شوند و از سرایت آن جلوگیری کنند.

۱. ریف خوری، *الفکر العربی الحدیث: اثر الثورة الفرنسیة فی توجیهة السیاسی والاجتماعی*، (دارالمکتوب،

بیروت، ۱۹۷۳)، ص ۸۳.

۲. همان، ص ۱۰۴.

۳. همان، ص ۹۵ و ۹۹.

۴. آلبر ماله، پیشین، ص ۴۷۶.

نظریهٔ پخش و انقلاب اسلامی ایران

۱. مبدأ پخش نوآوری فرهنگی و سیاسی، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، کشورهای همجوار و منطقهٔ خاورمیانه و جهان اسلام به طور خاص، و جهان به طور عام، تحت تأثیر عظمت این رخداد و پیام‌های جهانی و منطقه‌ای آن قرار گرفت. ابداعات سیاسی و فرهنگی ایران همچون هر نوآوری دیگری به شدت برای مسلمانان جذاب و شگفت‌انگیز بود. بنابراین، انقلاب اسلامی، کانون پخش و تراوش در منطقه شد. یک‌بررسی مقایسه‌ای بین موزائیک فرهنگی منطقه، قبل و بعد از وقوع انقلاب اسلامی، به خوبی نشان‌دهندهٔ تغییرات بافت موزائیک منطقه‌ای خاورمیانه است. بنابراین، ما شاهد مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی یا، به تعبیر گراهام فولر، رفلکسی از سوی مردم منطقه‌می‌باشیم. این تأثیرات نمایشی چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند، تحت تأثیر آن قرار گرفتند. این تأثیرگذاری ناشی از قدرت سلبی یا نفی‌کنندگی انقلاب و تعمیم این باور بود که «آیت‌الله» باید درست عمل کرده باشد که توانسته است شاه را با تمام قدرتش و حمایت امریکا، سرنگون کند و در فرایند این تحول، ایالات متحده را نیز تحقیر کند. به نظر آنان، امام خمینی به دلیل موفقیتش، یک‌الگوی اجتناب‌ناپذیر ایدئولوژی و انقلاب است.^۱ تأثیر رفلکسی انقلاب در نخستین سال‌های انقلاب بسیار زیاد بود. به نظر نیکی کدی، تأثیرات محسوس انقلاب اسلامی و الهام‌بخشی برای بسیاری از جریان‌های اسلامی در جهان اسلام صرفاً محدود به زمان وقوع انقلاب و چند ماه پس از پیروزی آن است و از آن پس، دیگر بتدریج آن دیدگاه مثبت‌نسبت به انقلاب ایران کم‌رنگ‌تر شده و تقلیل یافته است و در حال حاضر تنها در میان شیعیان چند کشور و تعدادی از اسلام‌گرایان تندرو، نظیر دانشجویان هوادار دارد.^۲ به نظر

۱. گراهام فولر، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمهٔ عباس مخبر، (نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۳)، ص ۱۰۹.

2. Nikki, Keddie, *Iran And The Muslim World: Resistance And Revolution* (London: Macmillan, 1995) p. 118.

وی، عواملی که موجب شدند تا در جریسان وقوع انقلاب و چند ماه پس از پیروزی، این انقلاب مورد توجه گروه‌های ایدئولوژیک قرار گیرد، عبارتند از: ۱) ضربه‌ای که ایران به امپریالیسم امریکا وارد کرد و موجب تحقیر آن شد. ۲) ضربه‌ای که انقلاب ایران بر یک نظام دیکتاتورمآب و دست‌نشاندهٔ امریکا وارد کرد. ۳) تکیهٔ انقلاب ایران در پیروزی بر راه‌های بومی و ایدئولوژی‌های بومی که مخالف تقلید کورکورانه از غرب بودند. ۴) پیروزی این انقلاب، پیروزی اسلام تلقی شد. ۵) و سرانجام آنکه پیروزی ایران در سطح گسترده‌تر پیروزی برای کشورهای غیرغربی (جهان سوم) محسوب می‌شد.^۱ به همین جهت، بروز ناآرامی در میان شیعیان کویت، بحرین، عربستان، اسلام را بار دیگر وارد فرآیند سیاسی کرد.^۲

همان‌سان که بعداً خواهیم گفت، بویژه در دههٔ سوم انقلاب، با گذر زمان و تراکم و اشباع این پیام‌ها در منطقه، بتدریج این پخش به جای تک‌مرکزی به چندمرکزی تغییر وضعیت داد. زین‌سبب تا حدودی از اهمیت کانون اولیهٔ پخش کاسته شد. مراکز ثانویهٔ پخش با اخذ پیام‌های انقلاب اسلامی ایران از مجرای فیلتر ذهنی خود، آن را مطابق ارزش‌ها و سنن دینی محیطی خویش سازگار می‌سازند و در واقع به بومی کردن آن می‌پردازند، به تعبیر دیگر، به نوعی قلب ماهیت مفهوم اصیل انقلاب اسلامی، به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه دست می‌زنند. بنابراین، مشاهده می‌شود که چگونه پیام «اسلام سیاسی» در برداشت فرقهٔ خشک حنبلی و وهابیت و در دستگاه ذهنی و عاطفی آنان و در نحلهٔ جدید نوه‌های بیون ترجمه می‌شود و در دستور کار جدی عمل‌گرایان قرار می‌گیرد. نکتهٔ دیگری که در چندمرکزی شدن پخش می‌توان بدان توجه کرد، تلاش برخی از دولت‌های منطقه، نظیر عربستان، برای پخش پیام‌های ثانویهٔ انقلاب اسلامی از کشور خود به سایر کشورهای اسلامی، نظیر افغانستان است که در آن زمان در حال جنگ با

1. Ibid, p. 119.

۲. حبیبه کدیور، *روایتی از انقلاب اسلامی ایران و امریکا*، (اطلاعات، تهران، ۱۳۷۲).

نیروهای اتحاد جماهیر سوسیالیستی شوروی بود. ظهور پدیده «اعراب افغانی»^۱ ناشی از همین پخش ثانویه امواج از مرکز عربستان بود.^۲ قراتر از آن، عربستان کوشید تا با ایجاد سازمان «رابطه العالم الاسلامی»، به پخش امواجی رقیب امواج انقلاب اسلامی به محوریت ایران بپردازد. ایجاد این مرکز، دقیقاً بعد از انقلاب اسلامی ایران و به منظور ارائه بدیلی برای نوآوری‌های ایرانی بود. این کشور کوشید تا به عنوان یک رقیب ایدئولوژیک، وهابیت را روزآمد کند و به صدور اسلام بنیادگرا بپردازد. بدین ترتیب کوشید تا هم از خود محافظت کند و هم به جای دفاع، به تهاجم فرهنگی دست زند و رهبری خود را بر جهان اسلام تضمین کند.

نقش موقعیت استراتژیک کشور مبدأ، در شدت پخش آن بسیار مهم است. نقل قول مشهوری در باب مصر وجود دارد که می‌گوید: «اگر مصر مریض شود، تمام جهان عرب مریض می‌شود»، که مؤید نوعی پخش سلسله‌مراتبی است. بنابراین، در محور مبدأ پخش باید به شرح موقعیت تأثیرگذار ایران پرداخت.

قراتر از پخش غیرارادی و خودبه‌خودی، یا رفلکسی، خود ایران نیز نه تنها مانعی برای پخش این نوآوری ایجاد نکرده است، بلکه با اتخاذ سیاست‌های

1. The Arab-Afghans

۲. شکل‌گیری پدیده حالب «اعراب افغانی» به دوران جنگ سرد و تصمیم امریکا در سطح تحلیل بین‌المللی و همکاری پاکستان و عربستان در سطح تحلیل منطقه‌ای برای مبارزه با سربازان شوروی در افغانستان برمی‌گردد. البته هر یک انگیزه‌های خاص خود را دارا بودند. ضیاءالحق رئیس‌جمهور وقت پاکستان می‌کوشید با حمایت از این مبارزات و شکل دادن به جبهه مسلمانان علیه شوروی ملحد، پاکستان را به رهبری دنیای اسلام مبدل کند. واشنگتن نیز مایل بود تا نشان دهد که همه جهان اسلام در کنار افغانها علیه شوروی می‌جنگند. سعودی‌ها نیز هم ترویج وهابیت و هم رهایی از نووهابیون افراطی و رنجیده‌خاطر و سوق دادن انرژی آنان به سمت افغانستان را در ذهن داشتند. بنابراین، طی سال‌های ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۲، ۳۵ هزار نفر از ۴۳ کشور اسلامی و هریک به افغانستان اعزام شدند. جالب توجه آنکه پس از خروج شوروی، همین اعراب افغانی با بازگشت به کشورهای مبدأ خود، به کاتال پخش اندیشه‌های تندروانه تبدیل شدند و دولت‌های خود را با مشکل جدی روبرو ساختند. برای بررسی بیشتر ر.ک.

- Peter, Marsden, *Taliban: War, Religion And The New Order In Afghanistan*, London, PP. 129-135, 140.
- Esposito, John, *Political Islam, Revolution, Radicalism, or Reform*, London: Lynne Rienner Publishers, 1997, PP. 179-202.

صدور انقلاب، امکان انتقال همراه با سهولت بیشتر آن را فراهم ساخته است. بنابراین، ایران، نظیر انگلستان که در مراحل مانع پخش صدور انقلاب صنعتی شد، نبوده است، بلکه عامل پخش نیز شده و تسهیلاتی را برای آن فراهم کرده است.

۲. حوزه، مقصد و مکان پخش، یکی از عوامل و مباحث نظریهٔ پخش است. مقصد اشاعهٔ نوآوری‌های انقلاب اسلامی می‌تواند کل ۵۳ کشور اسلامی عضو کنفرانس اسلامی یا ۲۰ کشور عربی خاورمیانهٔ عربی یا کشورهای خاورمیانه بزرگ یا سایر مناطق آسیای میانه و آسیای جنوب شرقی باشد. طبیعی است که این حوزه‌های پخش گاه دارای محیط پذیرا و گاه ناپذیرا می‌باشند. منظور از محیط پذیرا تجانس فکری، فرهنگی، دینی، اجتماعی و اقتصادی است. منظور از محیط ناپذیرا، تفاوت‌ها و اختلافات و شکاف‌های مذهبی، زبانی، نژادی و فرهنگی است. عوامل پذیرا موجب ایجاد زمینه‌های مساعد و همگرایی، و عوامل ناپذیرا موجب عدم تأثیرپذیری از پیام‌های انقلاب اسلامی و واگرایی از آن می‌شود. مثلاً، جوامع عراق، بحرین و لبنان به جهت بافت مذهبی شیعی، محیط پذیرای انقلاب اسلامی‌اند. طبیعی است که ممکن است بر اساس یک شاخص، کشوری به ایران نزدیک و بر اساس شاخص دیگری، از ایران دور شود؛ همان‌سان که جوامع مذکور دارای شکاف زبانی با ایران‌اند، در حالی که ایران با پاکستان دارای مشترکات فراوانی، از جمله زبان است. چون زبان ابزار مهمی در مبادلات و پخش فرهنگی است و زبان‌های فارسی و اردو مشترکات فراوانی دارند و زبان اردو از زبان فارسی سرچشمه می‌گیرد، لذا انقلاب ایران تأثیرات زود هنگامی بر پاکستان داشته است.^۱ بنابراین، زمینه‌های مساعد و نامساعد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در هر یک از کشورهای مقصد می‌تواند به‌طور

۱. مهرنور محمدخان، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در فرهنگ و ادب پاکستان»، مجموعه مقالات سمینار بررسی انقلاب اسلامی ادبیات فارسی، (سمت، تهران، ۱۳۷۳)، صص ۶۵۲-۶۴۱.

مستقل مورد بررسی قرار گیرد. همان‌سان که گفته شد هم‌مذهب بودن، هم عامل اشاعه‌دهنده و هم عامل شتاب‌دهندهٔ پخش ایده‌هاست. در واقع یکی از کارکردهای مذهب آن است که سرعت اشاعهٔ رفتارها را در بین هم‌مذهبیون شتاب غیرقابل تصویری می‌بخشد. طبعاً اختلاف مذهب نیز می‌تواند به جای عامل، مانع پخش گردد.^۱

اگر ایران را به عنوان مرکز پخش در منطقه در نظر گیریم و مکان‌ها و مقاصد پخش را کشورهای عربی تصور کنیم، در این صورت امواج پخش وارد محیطی می‌شود که بعضاً محیط ناپذیرا است. این محیط ناپذیرا یا موانع، بعضاً در عناصری از روانشناختی سیاسی، قابل تفسیر است. شکاف عربی-عجمی یا عربی-ایرانی، شکاف سنی-شیعی، و شکاف زبان فارسی-عربی، برخی از موانع پخش امواج انقلاب اسلامی است.^۲ بنابراین، امواج بازتاب انقلاب در بسیاری موارد، به سدهای عربی‌گرایی، اهل سنت‌گرایی یا زبان‌عربی‌گری برخورد می‌کرد و تنها امواج اندکی از آن از این سدها عبور می‌کرد و منشأ تأثیر می‌گشت. همین شکاف مذهبی، باعث شد که مثلاً فقط طلاب شیعی و شیعیان مهاجر افغانی وارد ایران شوند و زین‌سبب اکثر مهاجران افغانی ساکن ایران شیعی بودند. ارتباط رجال سیاسی و اولویت سیاست خارجی ایران نیز معطوف به شیعیان بود. به این دلیل، کاهش تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر اکثریت سنی مذهب جمعیت افغانستان، امری قابل پیش‌بینی بود. با این حال، در مواردی، نظیر رهبران سازمان «جهاد اسلامی فلسطین»، هویت ایرانی و شیعی انقلاب مانعی برای پخش فرهنگی آن محسوب نشده است. آنان به عنوان اهل سنت، با انتشار کتب و مقالات و

۱. فرامرز رفیع‌پور، *تضاد و توسعه*، (دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۶)، ص ۸۸ وی فرآیند وقوع انقلاب اسلامی را بر اساس نظریه پخش یا اشاعه توضیح داده است. همان، ص ۸۸-۹۲.

۲. در زمینه شکاف شیعی-سنی و جایگاه آن در بازتاب انقلاب اسلامی و وجه شیعی‌گری سیاست خارجی بگردید به: فرانسوا توال، *ژئوپلیتیک شیعی*، ترجمهٔ حسن صدوق‌ویننی، (انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۸۰)، ص ۳۸.

مصاحبه‌هایی کوشیده‌اند تا با هویتی سنی، انقلاب ایران را تأیید کنند و بدین وسیله امکان پخش آن را در جوامعی با بافت غالب اهل سنت فراهم سازند. فتحی شقاقی رهبر فقید آن سازمان، انقلاب اسلامی را یک انقلاب اسلامی سنی و شیعی معرفی می‌کرد.^۱

فراتر از آن، آنچه از حیث «مسافت یا مکان» گفتنی است، این است که هر چه فاصله کشورهای مقصد از ایران به عنوان مرکز پخش بیشتر باشد، به همان قیاس از میزان پذیرش نوآوری فرهنگی آن کاسته می‌شود. ابداعات به‌طور عمیق‌تر و وسیع‌تر در نزدیک‌ترین نقطه به مبدأ، پذیرفته می‌شوند و با دور شدن از آن کاهش می‌یابند. از کشور عراق به جهت اثر همسایگی و زمینه‌های مساعد دیگر انتظار می‌رفت که دارای بیشترین حجم پذیرش تأثیرگذاری باشد. در حالی که انتظار تأثیر انبوه پخش انقلاب اسلامی بر کشورهای مالزی و اندونزی به دلیل دوردست بودن نمی‌توانست انتظار معقولی باشد.^۲

۳. زمان. بر اساس پژوهش‌های موریل، می‌توان گفت که هرچه از زمان وقوع انقلاب اسلامی ایران بگذرد، از میزان پذیرش تأثیرات آن کاسته می‌شود. بنابراین طبیعی است که تأثیر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ با سال ۱۳۸۱ متفاوت باشد. این تأثیرات انقلاب اسلامی را می‌توان در دوره‌های متوالی t_1 ، t_2 و t_3 و t_n ، یا در دهه‌های اول، دوم و سوم مورد ارزیابی قرار داد. به هر تقدیر، بررسی این تأثیرات از زمان وقوع آن در بهمن ۱۳۵۷ و حتی اندکی قبل از آن، تا زمان حاضر، می‌تواند محور پژوهش قرار گیرد.

۱. بنگرید به: فتحی شقاقی، *جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی، مسأله فلسطین*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، (اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵).

۲. فردر فون درمهند، *دو دنیای اسلام: روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه*، ترجمه محمود اسماعیل‌نیا، (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸)، صص ۱۴۹-۱۷۶.

۴. موضوع پخش. موضوعات پخش انقلاب اسلامی، طیف متنوع و وسیعی از انواع تأثیرات را تشکیل می‌دهند: لباس و پوشاک اسلامی و متناسب با فرهنگ بومی (دشداشه و چفیه)؛ حضور بیشتر در مساجد و رونق‌گیری مساجد در میان جوانان؛ حرکات سیاسی در مساجد؛ تغییر محتوای سخنرانان مذهبی؛ تأسیس سازمان‌های مذهبی و مبارز؛ فعال شدن سازمان‌های قبلی؛ جدی شدن موضوع دین برای جوامع مسلمان‌نشین؛ سهام‌گیری از تاکتیک‌های مبارزاتی انقلاب اسلامی؛ بیان مطالبات اجرای شریعت اسلامی و احترام به شعائر مذهبی؛ بیداری اسلامی و اعتماد به نفس سیاسی؛ ترویج و شیوع ایده مبارزه با اسرائیل؛ ایده وحدت اسلامی مسلمانان و ایجاد قطب و ابرقدرت اسلامی؛ وحدت شیعه و سنی؛ اسلام یا راه‌حل مبارزه اسلام، راه‌حل زندگی؛ ایجاد جامعه اسلامی؛ ایجاد دولت اسلامی؛ شاید برای این همه بتوان یک نام برگزید، و آن «اسلام سیاسی» است. با این حال، شکل‌های حقوقی ج.ا.ا. و الگوی ولایت فقیه آن صرفاً در صورتی می‌تواند موضوع پخش قرار گیرد که این الگو در سایر کشورهای مسلمان ترجمه‌ای بومی و متناسب با نیازها و مقتضیات خاص خود آنان شود. مثلاً، آیت‌الله صدر در طرح خود برای جمهوری اسلامی عراق، با ملاحظه شرایط ساختاری عراق و نیز تفسیر خاص خود از مردم، به عنوان خلفای خداوند، اختیارات تعیین‌کننده‌ای به قوای مجریه و مقننه می‌دهد^۱ و اظهار می‌دارد که قوانین اسلامی، قدرت دولت را محدود می‌کنند و روحانیت صرفاً به عنوان مفسر و داور این قوانین عمل می‌کند.^۲ به هر تقدیر، «اسلام سیاسی» و قدرت ایدئولوژی، پیامی بود که انقلاب اسلامی ایران برای اعراب، بویژه پس از سرخوردگی آنان از ناسیونالیسم، ارائه کرد. «انقلاب ایران، تقویت شگفت‌انگیز

1. Esposito, John, *The Iranian Revolution: Its Global Impact*, (Florida: University Press of Florida, 1990) pp. 233-253.

2. Wiley, Joyce N., *The Islamic Movement Of Iraqi Shi'as*, (London: Lynne Rienner Publishers, 1990) pp. 128-129.

۲. ر.ک.: محسن کدبوره، *نظریه‌های دولت در فقه شیعه*، (نشر نی، تهران، ۱۳۷۸)، ص ۱۴۰-۱۳۰.

عقاید ضد غربی و محافظه کارانه را در خاورمیانه در پی داشت.^۱ حتی این «اسلام سیاسی» می‌تواند بازتابی در روابط بین‌الملل داشته باشد.^۲

۵. مسیرها، مجاری و ابزارهای پخش. چنان‌که در نظریهٔ پخش گفته می‌شود، حداقلی از افراد لازم‌اند که رفتاری را انجام دهند تا پس از آن، جریان اشاعه خود به خود، مانند تودهٔ برقی که به «بهمن» تبدیل می‌شود، ادامه یابد.^۳ همچنین، نهادها و مجاری دیگری نیز لازم است که کار پخش را صورت دهند. بنابراین، ابزارها، افراد و نهادهایی به‌طور طبیعی یا ارادی در این رابطه عامل تسری و شیوع اندیشه واقع شده‌اند.^۴

«نهاد»هایی، نظیر سپاه پاسداران (مثلاً در لبنان)، سفارتخانه‌ها (وزارت خارجه) یا ریزنی‌های فرهنگی (وزارت ارشاد و سازمان فرهنگ و ارتباطات)، جهاد سازندگی، وزارت بازرگانی، وزارت اطلاعات، و نیز نهادهایی، نظیر حوزه‌های علمیه، صدا و سیما، انجمن اسلامی دانشجویان خارج از کشور، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، و به‌طور کلی نهادهای شیعی در سراسر جهان می‌توانند تسهیلاتی را برای این پخش فراهم کنند.

سمینارها و مراسم نیز دارای چنین کارکردی بوده‌اند. مراسم حج و برائت از مشرکان، سالگردهای پیروزی انقلاب اسلامی و دعوت از میهمانان خارجی یا برعکس، اعزام هیأت‌هایی به خارج از کشور، مراسم و کنفرانس‌های هفته وحدت، اعطای بورس تحصیلی به طلاب و دانشجویان خارجی، با این هدف که در بازگشت به وطن به عامل پخش نگرش‌های انقلابی و ایرانی بدل شوند،

۱. ای. کارن، فست، *انقلاب ایران و تحولات سیاسی در جهان عرب*، ترجمهٔ داود علمایی، (دوره عالی جنگ، تهران، ۱۳۷۹)، ص ۶۹.

۲. برگر پتر ال، *افول سیکولاریسم، دین خیزش مر و سیاست جهانی*، ترجمهٔ افشار امیری، (پنگان، تهران، ۱۳۸۰)، ص ۱۱۹-۱۳۶.

۳. وفتح پور، پیشین، ص ۸۸.

۴. محمداقبر حشمت‌زاده، *انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان*، فصلنامهٔ اندیشه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۱، صص ۹۶-۹۴.

مراسم سالانه ارتحال امام و حضور میهمانان خارجی در آن، راه‌پیمایی روز قدس، مواردی نظیر فتوای امام در باب سلمان رشدی، یا ترجمه کتاب‌های امام خمینی، علی شریعتی، مرتضی مطهری و علامه طباطبایی، که امکان انتقال پیام‌ها را فراهم می‌کنند، از جمله مسیرها و کانال‌های پخش انقلاب اسلامی بوده است. همان‌سان که ملاحظه می‌شود، در اینجا «دین» عامل اصلی پخش بوده است.

انواع پخش‌ها

پخش جابجایی: نمونه‌ای از این نوع پخش، تأثیرگذاری انقلاب اسلامی در اعزام مبلغان مسلط به زبانهای خارجی به مراسم حج و کار روی تک‌تک حجاج است. دعوت از میهمانان و نخبگان خارجی تبعه کشورهای مسلمان در مناسبت‌های دهه فجر و سالگرد انقلاب اسلامی، و بعدها در سالگرد رحلت امام، نمونه دیگری از این نوع پخش است. مفروض این بود که این افراد با پذیرش نوآوری انقلاب اسلامی و بازگشت به کشورهای خود، به گونه‌ای سرایتی یا حتی سلسله‌مراتبی- با توجه به نخبه بودن و قدرت تأثیرگذاری بیشتر- عامل پخش ایده‌های انقلاب اسلامی شوند.

پخش سرایتی و اثر همسایگی: یکی از مباحث پخش سرایتی، تسری موضوعات پخش به نزدیک‌ترین اقشار، افراد و مناطقی است که در مجاورت تغییر و نوآوری قرار دارند. بنابراین، با توجه به مجاورت دو کشور عراق و ایران، و با توجه به محیط پذیرای عراق و تجانس فرهنگی و مذهبی و سایر مشترکات مردم دو کشور، انتظار می‌رفت که بر «اثر همسایگی»، عراق اولین کشوری باشد که در معرض تندباد تحولات فرهنگی ایران قرار گیرد و به گونه پخش سرایتی، انقلاب به آنجا تسری پیدا کند. فراتر از آن، تحولات دیگری که در مرزهای ایران صورت می‌گیرد، به گواه ناظران برای جلوگیری از سرایت انقلاب ایران به سایر

کشورهای همجوار آن بوده است. کودتا در کشورهای ترکیه و پاکستان و روی کار آمدن نظامیان با قدرت سرکوب بالاتر، تشکیل شورای همکاری خلیج فارس و ایجاد سپر محافظتی در قبال اشاعه انقلاب اسلامی در مرزهای جنوبی خلیج فارس، و نیز اشغال نظامی افغانستان توسط شوروی، می‌تواند در راستای جلوگیری از رسیدن امواج انقلاب اسلامی بدان کشورها تفسیر شود.

پخش سلسله‌مراتبی و پیشاهنگ‌ها: گونه‌هایی از پخش سلسله‌مراتبی پیام‌های انقلاب اسلامی را در شیعیان لبنان به عنوان مدخل ورود ایران به جهان عرب می‌توان مشاهده کرد؛ همان‌سان که پیام‌های انقلاب اسلامی از آیین راه به سایر کشورها، از جمله به فلسطینیان رسید.

فراتر از آن، اگر نکته کاربردی پخش سرایتی بر «اثر همسایگی» شناخته شود، پخش سلسله‌مراتبی را نیز می‌توان در عنصر «پیشاهنگ»‌ها برجسته کرد. به تعبیر دیگر، در پخش، پیوسته مجموعه‌ای از نواحی، حالت پیشاهنگی و قافله‌سالاری نسبت به سایر نواحی دارند. یعنی روندهای مقدم نسبت به سایر مکان‌ها دارند. معنای لغوی واژه «قافله‌سالار»، گوسفند زنگوله‌داری است که در جلو گله حرکت می‌کند. نظریه‌پردازان پخش، از آن نواحی که در انتشار فضایی جلوتر از سایر نواحی عمل می‌کنند، برای پیش‌بینی پخش در زمان‌ها و مکان‌های بعدی استفاده می‌کنند.^۱ به تعبیر دیگر، در صورتی که پخش وارد این سرزمین‌ها شود، به شکل غیرقابل کنترل و به گونه‌ای سلسله‌مراتبی انتشار می‌یابد.

کشورهای پیشاهنگ در باب تأثیرگذاری سلسله‌مراتبی ایران عبارتند از: (۱) عراق در جهان عرب، (۲) افغانستان در آسیای مرکزی، (۳) پاکستان در شبه‌قاره هند و آسیای جنوب شرقی، (۴) ترکیه در قفقاز و بالکان، و (۵) لبنان در جهان عرب. فعل و انفعالات گسترده در کشورهای مذکور متعاقب وقوع انقلاب اسلامی

۱. Haggert, op. cit, p. 600.

و اشغال نظامی یا تهاجم و جنگ علیه ایران یا وقوع کودتا و روی کار آمدن نظامیان در چنین راستایی قابل فهم است. چنانچه انقلاب اسلامی در عراق به سرانجامی خوش می‌رسید، در آن صورت انقلاب ایران در ترجمه‌ای بومی‌تر و در فرهنگ عربی برای کلیه کشورهای عربی، کالای پرجاذبه‌ای می‌شد و با سرعت و شتابی مثال‌زدنی، کل خاورمیانه عربی را در بر می‌گرفت و در این میان، عراق یکی از کشورهایی بود که به‌گونه پخش سلسله‌مراتبی به ایفای نقش می‌پرداخت. حجم عظیم سرمایه‌گذاری غریبان و حکومت‌گران منطقه‌ای در نشکستن سد مقاومت عراق، در چنین تحلیلی بهتر قابل درک است. یعنی، اولاً، در چهارچوب «اثر همسایگی» و، ثانیاً، تأثیر «سلسله‌مراتبی» عراق و در مرحله بعد، تهاجم عراق برای جلوگیری از اشاعه انقلاب اسلامی، بدین نحو قابل تفسیر است — همان‌سان که جنگ کشورهای اروپایی علیه فرانسه انقلابی، و حتی کشیدن «نوار بهداشتی» به دور شوروی سابق، که اشاعه‌دهنده پیام و اندیشه‌های انقلاب سوسیالیستی بود و از طریق پیمان‌های ناتو، سیتو و ستو اعمال می‌شد، دلیل مشابهی داشت. اصولاً «مهار انقلاب»، یک مفهوم شناخته شده در حوزه روابط بین‌الملل است. اقدام امریکا و بلوک غرب در قبال انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ شوروی که از زاویه ایدئولوژی، ساختار نظام بین‌الملل را مورد سؤال قرار می‌داد و کشورها را به تأسیس الگوی مشابه شوروی تشویق می‌کرد، و نیز ارسال تجهیزات نظامی و جز آن در جهت نابودی نظام شوروی، در همین راستا قابل فهم است.^۱ از آنجا که بر اساس نظریه تبلی و سایر دانشمندان، نظیر جانسون، گور، اسکاچپول، یکی از دلایل سقوط رژیم‌ها، شکست ارتش در یک جنگ خارجی است، احتمال حمله نظامی بر ضد ایران از همان آغاز انقلاب قابل پیش‌بینی بود.^۲

۱. عبدالمعلی قوام، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، (سمت، تهران، ۱۳۷۲، چاپ دوم)، ص ۱۲۲.
 ۲. رفیع پور، پیشین، ص ۱۳۴ و نیز بیژن، امیدی، خلیج فارس و مسائل آن، (سمت، تهران، ۱۳۸۱)، صص ۴۹-۷۶.

گونه‌های دیگر پخش سلسله‌مراتبی «ایران» را باید در جایگاه تأثیرگذار آن کشور در موقعیت استراتژیک آن در خلیج فارس دانست؛ همچنان‌که وقوع انقلاب در سرزمین‌های واجد موقعیت استراتژیک دارای بیشترین بازتاب‌ها می‌باشد.^۱ قدرت تأثیرگذار «بر قدرت فرهنگی» ایران در این راستا واجد اهمیت است. البته در بُعد اقتصادی، با توجه به اینکه اقتصاد همه کشورهای منطقه در اقتصادهای پیرامونی دسته‌بندی می‌شوند و فراتر از آن، جنبه مکمل‌سازی برای یکدیگر ندارند، ایران فساد قدرت تأثیرگذاری سلسله‌مراتبی اقتصادی است. زمین سبب ایران می‌کوشید تا با تأثیرگذاری بر نخبگان فرهنگی و سیاسی و مذهبی و جذب آنان به انقلاب، روند اشاعه فرهنگی رابه‌گونه سلسله‌مراتبی محقق سازد. به‌طور مثال، ارادت شهید آیت‌الله محمدباقر صدر به مرجعیت امام، طبعاً به پیروان صدر در عراق و لبنان نیز سرایت کرده و بیانگر پخش «سلسله‌مراتبی» است که ابتدا از طریق تأثیرگذاری بر نخبگان و سپس از آن طریق به زیرمجموعه سرایت کرده است. نامه شگفت‌آور امام خمینی به گورباچف نیز حاکی از تلاش برای تأثیرگذاری بر نخبگان سیاسی و نشان دادن اسلام به مثابه راه‌حلی برای مشکلات بشریت است: «جناب آقای گورباچف! اکنون بعد از ذکر این مسائل و مقدمات از شما می‌خواهم درباره اسلام به صورت جدی تحقیق و تفحص کنید.»^۲ به این جهت، نظریه پخش به دلیل ماهیت فرهنگی آن قابلیت تفسیری یا توضیحی خوبی برای نشان دادن تأثیرات فرهنگی انقلاب اسلامی بر سایر نواحی دارد.^۳

۱. محمدباقر خرمشاد، «انقلاب اسلامی و بازتاب آن در رویکرد نظری»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره اول، ۱۳۸۱، ص ۶۷.

۲. عبدالله جوادی آملی، «آوای توحید: نامه امام خمینی به گورباچف و شرح نامه»، (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۶۹)، ص ۱۳.

3. Adam Kuper, and Jessica Kuper (ed.), *The social Science Encyclopedia*. London: Routledge 82 and Paul Kogan, 1985, P. 203

نتیجه‌گیری

نظریهٔ پخش قابلیت تفسیری بالقوه خوبی برای تبیین پخش انقلاب اسلامی در جهان اسلام دارد. برخی از محورهای گوناگون تطبیق «نظریه بر مورد» در این بررسی نشان داده شد. قدرت تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، رابطهٔ مستقیمی با میزان طراوت دائمی، ارائه نوآوری و اثبات حقانیت خود در عرصهٔ عملی و ارائه یک الگوی توسعهٔ سیاسی، اقتصادی از نوع اسلامی و ایرانی آن دارد. توصیهٔ مهم نظریهٔ پخش، نوآوری و نوشوندگی دائمی پیام‌های انقلاب اسلامی در عرصهٔ نظر و اندیشه و نیز عمل است. این نوشوندگی و تولید مستمر اندیشه و ادبیات و ایجاد یک جنبش نرم‌افزاری علمی و دینی موجب می‌شود موادی متناسب با ذائقهٔ نسل‌های جدید در داخل و خارج فراهم آید و ضعف دلزدگی از امور تکراری و یکنواخت را جبران کند و عطش استقبال از تنوع و نوآوری را سیراب کند. فراتر از آن، تولید و ارائه الگوی عملی توسعه از نوع اسلامی آن و توفیق در تمدن‌سازی، آن را به عنوان کالایی ضروری و اجتناب‌ناپذیر برای همهٔ جوامع، و نه لزوماً اسلامی، نمودار می‌سازد. حقانیت و جایگاه «ابر قدرت فرهنگی» ایران اسلامی واقعییتی انکارناپذیر است که بارها در تاریخ کهن این سرزمین تکرار شده است، به‌طوری‌که اقوام مهاجم ترکان، تازیان و تاتارها را مقهور غنای فرهنگی خود ساخته و در خود مستحیل کرده است.

فهرست منابع

الف. منابع فارسی

- آلاسیدیر، درایسدل و جرال د اچ بلیک، *جغرافیای سیاسی خاورمیانه و شمال آفریقا*، مترجم: دره میرحیدر، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، ۱۳۶۹.
- پانوف، میشل و میشل پرون؛ *فرهنگ مردم‌شناسی؛ ترجمه اصغر عسکری خانقاه*، نشر ویس، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۸.
- پی فرازو، گری، *انسان‌شناسی فرهنگی: بعد فرهنگی تجارت جهانی*، ترجمه غلامعلی شاملو، سمت، تهران، ۱۳۷۹.
- پیترا ال. برگر، *اقول سیکولاریسم؛ دین خیزش گم و سیاست جهانی*، ترجمه افشار امیری، پنگان، تهران، ۱۳۸۰.
- جردن و راونتری، *مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی*، ترجمه سیمین تولائی و محمد سلیمانی، پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات، تهران، ۱۳۸۰.
- جواد علی، عبدالله، *آرای توحید؛ نامه امام خمینی به گورباچف و شرح نامه*، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۶۹.
- حشمت‌زاده، محمدباقر، «انقلاب اسلامی و کشورهای مسلمان»، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره اول، بهار ۱۳۸۱.
- خرمداد، محمدباقر، «انقلاب اسلامی و بازتاب آن در رویکرد نظری»، مجله اندیشه انقلاب اسلامی، شماره اول، ۱۳۸۱.
- خوری، رئیفا، *الفکر العربی الحديث؛ اثر الثورة الفرنسیه فی توجیهه السياسی والاجتماعی*، (دراالمکتوف، بیروت، ۱۹۷۳).
- رفیع پور، فرامرز، *تضاد و توسعه*، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ۱۳۷۶.
- رنی، آستین، *حکومت: آشنایی با علم سیاست*، ترجمه لیلا سازگارنژاد، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۴.
- زرگری نژاد، غلامحسین، *تاریخ صدر اسلام*، سمت، تهران، ۱۳۷۸.
- شقاقی، فتحی، *جهاد اسلامی، امام خمینی، شیعه و سنی، مسأله فلسطین*، ترجمه سید هادی خسروشاهی، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۵.
- شکونی، حسین، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، گیتاشناسی*، تهران، ۱۳۷۷، چاپ نهم.

- شکونی، حسین، *جغرافیای کاربردی و مکتبهای جغرافیایی*، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۴.
- فولر، گراهام، *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۳.
- فون درمهندن، فردر، *دو دنیای اسلام: روابط جنوب شرقی آسیا و خاورمیانه*، ترجمه محمود اسماعیل نیا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۸.
- قوام، عبدالعلی، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، سمت، تهران، ۱۳۷۲، چاپ دوم.
- کارن، ای، نست، *انقلاب ایران و تحولات سیاسی در جهان عرب*، ترجمه داود علمایی، دوره عالی جنگ، تهران، ۱۳۷۹.
- کدیور، جمیل، *رویارویی انقلاب اسلامی ایران و آمریکا*، اطلاعات، تهران، ۱۳۷۳.
- ماله، آلبر و ایزاک ژول، *تاریخ قرن میخدهم و انقلاب کیسر فرانسه*، ترجمه رشید یاسمی، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۴، چاپ ۶.
- محمدخان، مهرانور، «تأثیر انقلاب اسلامی ایران در فرهنگ و ادب پاکستان»، مجموعه مقالات سمینار بررسی انقلاب اسلامی ادبیات فارسی، سمت، تهران، ۱۳۷۳.
- محسن کدیور، *نظریه‌های دولت در فقه شیعه*، نشر تی، تهران، ۱۳۷۸.

ب. منابع انگلیسی

- Esposito, John, *Political Islam, Revolution, Radicalism, or Reform*, London: Lynne Rienner Publishers, 1997.
- Esposito, John, *The Iranian Revolution: Its Global Impact*, (Florida: University Press of Florida, 1990).
- Haggett, Peter, *Geography: A Modern Synthesis*; Third Ed. New York: Harper & Row, 1983.
- Jordan, Terry G., Lester Rowntree, *The Human Mosaic, Thematic Introduction to Cultural Geography*, Harper and Row Publishers, 1986.
- Kopstein, Jeffrey S. And David A. Reilly, *Geographic Diffusion and the Transformation of the Postcommunism World*; World Politics 53 (October 2000).

- Joyce, Wiley N., *The Islamic Movement Of Iraqi Shi'as*, (London: Lynne Rienner Publishers, 1990).
- Keddie, Nikki *Iran And The Muslim Word: Resistance And Revolution* (London: Macmillan .1995).
- Kuper, Adam and Jessica Kuper (ed.), *The social Science Encyclopedia*; London: Reutledge 82. and Paul Kegan, 1985.
- Marsden, Peter *Taliban: War, Religion And The New Order In Afghanistan*, London.